

# ادوارد زکریان

اهدای کتاب های فارسی کتابخانه شخصی

به انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش

کتاب‌ها برای ادوارد زکریان پنجره‌ای رو به جهان بودند؛ به‌ویژه به‌عنوان یک ایرانی تبعیدی، این کتاب‌ها بودند که به او امکان می‌دادند تا از راه اندیشه به سرزمین مادری خود، ایران، بازگردد. در پاسخ به این پرسش که «از وطن چه برایت بیاورم؟»، پاسخ او همواره یکی بود: «کتاب». او در طول زندگی خود با صبر و حوصله به گردآوری کتاب- به ویژه آثار آن گروه از شاعران و دانشمندان نامداری که در جمهوری اسلامی به سکوت محکوم شده بودند- پرداخت. سرانجام، کتابخانه او بیش از ۱۳۰۰ جلد کتاب به زبان فارسی را در بر می‌گرفت و گواهی بود بر گنجینه بی‌بهای فرهنگ ایرانی.

کتابخانه ادوارد زکریان در سال ۲۰۲۳ از سوی همسرش کلارا آتایان و دختر کوچک‌ترش آرت زکریان به انستیتوی ایران‌شناسی فرهنگستان علوم اتریش اهدا شد. این مجموعه دربردارنده کتاب‌های متعددی در زمینه تاریخ، ادبیات، مردم‌شناسی، هنر و سیاست ایران و مناطق همسایه ایران است. افزون بر آن، مجموعه‌ای گسترده از ترجمه‌های فارسی آثار کلاسیک ادبیات غرب را شامل می‌شود — آثار نویسندگان نام‌آور آلمانی‌زبان، فرانسوی‌زبان، روسی‌زبان و انگلیسی‌زبان — که ادوارد زکریان از آغاز دهه ۱۹۸۰ با صرو حوصله گرد آورده بود.

ادوارد زکریان (۲۴ اوت ۱۹۳۱ – ۴ آوریل ۲۰۰۸)، بازرگان و خودآموخته، همواره می‌خواست درباره سرزمین و منطقه‌ای که در آن زاده شده بود بیشتر بداند و آن را بهتر بفهمد. او از بندر انزلی در کنار دریای خزر می‌آمد، منطقه‌ای با اقلیت بزرگ ارمنی. خود او نیز ارمنی‌تبار بود. ادوارد زکریان که در کودکی یکی از والدین خود را از دست داده بود، نزد مادربزرگ پدری‌اش بزرگ شد. در مدارس غیرمذهبی آن روزگار ایران تحصیل کرد، در آنجا فرانسوی آموخت و به هنر تئاتر پرداخت.

سپس به تهران رفت، در آنجا با کلارا آتایان، بانویی ارمنی، ازدواج کرد و پدر دو دختر شد. ادوارد زکریان به کارآفرین روی آورد. به‌عنوان نماینده صنعت داروسازی ژاپن در ایران، بعدها در عرصه واردات و صادرات میان ایران و ژاپن فعالیت کرد. پس از انقلاب ۱۳۵۷، هنگامی که دوستان ایرانی، ارمنی و یهودی او می‌گریختند، او نخست ایستادگی کرد: خانواده خود را به جایی امن رساند، اما خود در تهران ماند، به این امید که اوضاع آرام گیرد. اما به سبب باورهای سیاسی‌اش به زندان افتاد و سرانجام ناگزیر شد همراه خانواده‌اش سرزمین مادری خود را که پس از دگرگونی نظام برایش ناسازگار شده بود، ترک کند.

او يك ایرانی دور از وطن شد. اما هرگز نتوانست خود را از ایران و از ایرانیان دور کند. این نگرش هرگز او را رها نکرد، چراکه در وین همچنان به خواندن، شنیدن و نوشتن به زبانی ادامه می‌داد که آن را غنی، شگفت‌آور، پرمایه و سرشار از ظرافت می‌یافت. او چندزبانه بود و افزون بر فارسی و ارمنی، به انگلیسی و فرانسوی روان سخن می‌گفت. عربی نیز آموخت. اما زبان فارسی همواره جایگاهی ویژه نزد او داشت و شیفته خوشنویسیِ این زبان بود.

از طریق این‌اهدا، کلارا آتایان آرزو داشت به پژوهشگران اروپایی که با زبان فارسی سروکار دارند این امکان را بدهد که کارشان را در اروپا — و به‌ویژه در وین — دنبال کنند. افزون بر آن، اهدای این کتاب‌ها سپاسی است به جمهوری اتریش که خانوادهٔ زکریان را در میهن نوینشان پذیرفت و به دختران آن خانواده این امکان را داد که در کشوری مبتنی بر حاکمیت قانون بزرگ شوند.